



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۲۱ مارچ ۲۰۲۳

ارسالی: محمد جلال سرور

پیاگه بریم به مزار ملا محمد جان

آهنگ معروف و تاریخی ملا محمد جان یکی از قدیمی ترین آهنگ های فولکلور یا محلی هرات باستان میباشد و در اصل سرود عاشقانه و بیان درد و سوزدل عایشه دختر عاشقیست که نذر گرفته بود تا در نوروز به مزار شریف به زیارت مولا علی (ع) رفته و دعا کند تا حاجت و آرزویش که رسیدن به ملا محمد جان است برآورده گردد.

در رابطه با آهنگ ملا محمد جان و داستان عاشقانه «عایشه و ملا محمد جان» در کتب مربوط به تاریخ هرات، روزنامه ها و جراید بارها مطالبی نوشته اند .

سرود عاشقانه ملا محمد جان بیانگر عشق واقعی این دو جوان بوده و داستانی دارد به این شرح: در زمان حکمروایی تیموریان در هرات، بخصوص در عصر سلطان حسین بایقرا (۱۴۶۹-۱۵۰۶ م.) و وزیر دانشمندش امیر علی شیر نوایی، مردم از سراسر قلمرو آنان در نوروز به مزار شریف می رفتند و دولت هزینه مراسم عروسی جوانانی را که در این روز در مزار شریف برگزار میکردند، می پرداخت.

دوران تیموریان عصر شگوفایی هنر در هرات بود و مدارس متعددی در این شهر تأسیس شده بود و شاگردان در این مدارس به تحصیل علوم و فنون مختلفه می پرداختند. یکی از این مدارس، مدرسه ای بود در نزدیکی محله سرهدیره ، در شمال شهر هرات و در جوار زیارت ملا حسین واعظ کاشفی. یکتن از طلاب این مدرسه، ملا محمد جان نام داشت که همه روزه از محله سرهدیره تا چشمه قلمفر که نزدیک زیارت مولانا عبدالرحمن جامی موقعیت دارد، پیاده طی می نمود و صرف و نحو حفظ می کرد، ساعتی در کنار چشمه می آسود و شکرانه بجای می آورد .

یکی از روزها جمعی از دختران سرهدیره با عایشه که دختر یکی از افسران مقرب دربار تیموریان بود، غرض تفرج و گرفتن آب از چشمه قلمفر می رفتند و ملا محمد جان هم رهسپار مدرسه اش

بود. ناگهان باد تندی وزیدن گرفت و روسری عایشه را از سرش پرانده و بر شانهٔ ملا محمد جان که در فاصلهٔ کمی از آنها قرار داشت، انداخت. عایشه وقتی به دنبال روسری اش رفت با ملا محمد جان رو در رو شد که از همان لحظه هردو عاشق و دلباختهٔ همدیگر گردیدند. به قول شاعر بزرگ شادروان صائب تبریزی:

اظهار عشق را به سخن احتیاج نیست
چندانکه شد نگه به نگه آشنا بس است

از آن روز به بعد عایشه و ملا محمد جان به کمک و زمینه سازی خواهر خواندگان عایشه درکنار چشمه قلمفر، دور از چشم مردم دید و بازدید هایی بعمل می آوردند و چون به قول شاعر بزرگ شادروان واقف لاهوری «عشق مانند مشک بو دارد» داستان عشق عایشه و ملا محمد جان نیز آهسته آهسته برسر زبانها افتاد تا به گوش پدر عایشه نیز رسید. پدر با شنیدن این حکایت، عایشه را در خانه زندانی کرد و ملا محمد جان و خواهر خواندگانش از دیدار وی محروم گردیدند. دختران سرهدیره هر روز بر سر چشمه می آمدند و در فراق عایشه این سرود را می خواندند:

تابه کی از ما جدایی عایشه
اینقدر حیران چرایی عایشه
برسر چشمه نیایی عایشه

درین جریان ملا محمد جان به فکر ازدواج با عایشه می شود و از خانواده اش خواستگاری مینماید. اما چون طالب العلم بی بضاعت بود، پدر عایشه تن به این وصلت نداد. ملا محمد جان آموزش صرف و نحو را کنار گذاشت و روز به روز از درد فراق عایشه زار و ناتوان تر می گردید. این دو عاشق دلباخته نذری را بر عهده می گیرند، در صورتی که حاجت شان برآورده شود و ازدواجشان صورت پذیرد در ایام میلهٔ گل سرخ به مزار شریف رفته و مدتی را در آرامگاه حضرت علی (ع) خاکروبی نمایند .

روزی از روزها که عایشه باز توانسته بود، دور از چشم پدر با خواهر خواندگانش بر سر چشمه بیاید، در جمع آنها با سوز و درد سرود ملا محمد جان را می خواند:

بیا که بریم به مزار ملا محمد جان	سیل گل لاله زار و اوا دلبر جان
به دربار سخی جان گله دارم	یخن پاره ز دست تو نگارم
پس از مرگم بیایی بر مزارم	مدامم در دعا در انتظارم
بیا که بریم به مزار ملا محمد جان	سیل گل لاله زار و اوا دلبر جان

کنم تعریف یار بی وفا را	به تن کردی گلم رخت سیاه را
بگیرم دامن شیر خدا را	به دنیا من اگر غمخوار ندارم
به چشم مالیم همان قفل طلا را	بیا زیارت کنیم مرقد شیر خدا را
خدا کامیاب کند هردوی ما را	مه دعا میکنم آمین بگوئید

اتفاقاً در همین اثنا امیر علی شیر نوائی، وزیر دانشمند عصر تیموریان با عده ای از همراهان خود از آنجا می گذشت که در نزدیکی چشمه آواز عایشه توجه او را جلب کرد. بلا فاصله توقف نمود و آهنگ را از دور سراپا شنید.

امیر با فراست و نکته دانی ایکه داشت، دریافت که در عقب خواندن این سرود فلسفه ای نهفته است، بناً نزد عایشه رفت و با ملایمت و مهربانی از او پرسید که دخترم راست بگو، ملا محمد جان کیست و چرا در آهنگ صدای تو دردی نهفته است؟

عایشه ابتدا از حیا پاسخی نداد و سکوت اختیار کرد. ولی امیر علی شیر با شیوه پدرا نه به او وعده داد که اگر راستش را بگوید به او کمک خواهد کرد. سپس عایشه ماجرای عاشقانه خود و ملا محمد جان را مفصل به امیر حکایت نموده و افزود که ملا محمد جان از جمله طلاب مدارس شما است. فردای آنروز امیر شخصاً به خانه پدر عایشه رفت و به عنوان پدر ملا محمد جان از عایشه خواستگاری نمود، پدر عایشه که وضع را چنین دید، به احترام شخص امیر به این وصلت راضی گردید. امیر این دو دلباخته را آنطور که تعهد کرده بود به مزار شریف فرستاد و در همانجا مقدمات عروسی شانرا فراهم نمود. به این ترتیب این دو به هم رسیدند و مدتی به خاکروبی آستان مولا علی چون خادمان مبادرت ورزیدند.

در بعضی از روایت ها آمده که ملا محمد جان، از شاگردان خاص امیر علی شیرنوائی بود و بعد از عاشق شدن وی به عایشه، امیر مشاهده می کند که وضع روانی ملا محمد جان تغییر نموده و هر روز نحیف تر میگردد.

امیر به شیوه های گوناگون و به مهربانی و لطف، علت را جویا می شود و سر انجام ملا محمد جان حقیقت را می گوید و امیر شخصاً به خواستگاری رفته و همانطوریکه در فوق تذکر یافت، پدر عایشه به ازدواج دخترش با ملا محمد جان راضی گردید.

و اما آهنگ ملا محمد جان که راوی داستان عشق عایشه و ملا محمد جان است، در شهر هرات و دیگر نواحی برسر زبانها افتاد و سینه به سینه، قرنها منحصی آهنگ فولکلوریک در محافل و مجالس خوانده میشد و ماندگار شد. آستایی (مطلع) آهنگ همان شکل اولی را دارد ولی نغمه سرایی ها در

لابلای آهنگ و اشعار انتخابی انتره ها فرق نموده، به ذوق و سلیقه آواز خوانان از دوبیتی های محلی (فولکلور) انتخاب می گردد.

با به وجود آمدن صنعت ثبت (ضبط) صدا اولین بار شادروان استاد غلام حسین یکتن از بنیاد گذاران موسیقی معاصر افغانستان بیشتر از صد سال قبل (۱۲۸۴/۱۲۸۵ هـ ش) یا (۱۹۰۶/۱۹۰۷ م) آهنگ «ملا محمد جان» و آهنگ «نصرو نصرو جان» را با آرکستر سازهای مشکی در شهر کلکته هندوستان اجرا و در یک ریکارد ثبت نموده است. این آهنگ ها نه تنها در آرشیف رادیو افغانستان موجود بوده، بلکه ریکارد آن حتی تا هنوز هم نزد بسیاری از هموطنان عزیز ما وجود دارد.

به تعقیب آن زمانیکه مسؤلین وقت رادیو افغانستان به طرح و ابتکار استاد عبدالوهاب مددی، هنرمندان محلی خوان را از ولایات کشور به خاطر ثبت آهنگ های هر منطقه به کابل دعوت نموده بودند، خانمی به اسم «ثریا مژگان» با شوهرش آقای مژگان که از هرات به کابل آمده بودند، این آهنگ را بصورت دوگانه در رادیو افغانستان وقت ثبت نمودند که همین اکنون نیز در آرشیف رادیو افغانستان موجود و بارها به نشر رسیده است. خانم ثریا مژگان می خواند:

بیا که بریم به مزار ملا محمد جان، و شوهرش می خواند: سیل گل لاله زار واه واه دلبرجان.
بار سوم بین سالهای ۱۳۴۰ - ۱۳۴۵ خانم سلما که تازه به آواز خوانی شروع نموده بود، این آهنگ را باز خوانی نمود که در رادیو افغانستان وقت و بعد ها در تلویزیون ملی ثبت شده است و در معرفی و کسب شهرتش نقش به سزایی داشته است. البته با ذکر این مطلب که آهنگ ساز محبوب کشور محترم کبیر هویدا با وارد نمودن یک قسمت کوچک اضافه گی در کمپوز قبلی آهنگ بر زیبایی آن افزوده اند.

قابل یاد آوریست که آهنگ ملا محمد جان یک آهنگ فولکلوریک مشهور و از قبل به اصطلاح گل کردگی بود که در آن زمان اگر غیر از خانم سلما هم هرکسی دیگری اجرا میکرد از شهرت برخوردار میشد.

آهنگ ملا محمد جان از زمان شادروان استاد غلام حسین تا کنون توسط خالوی شوقی، کریم شوقی، رحیم خوشخوان، ناوک هروی، غلام دستگیر سرود، غلام نبی زنده دل فوشنجی، محمد قاسم مسرور، ثریا مژگان، آقای مژگان، خانم سلما و بعدها استاد مهوش، شادروان ساربان، شادروان هم آهنگ، نعیم پوپل و عده ای بیشمار دیگر از هنرمندان افغان و همچنان هنرمندان ایرانی مانند خانم گوگوش، لیلا فروهر، خانم پوران و دیگر هنرمندان ایرانی، خوانده شده است.